



# پیش نیازهای آشنایی با مبانی مدیریت اسلامی

جهت درس

مدیریت اسلامی و الگوهای آن

تألیف: محمد نجف زاده

مهرماه ۱۳۹۱

## فهرست مطالب

عنوان.....	صفحه.....
گفتار اول: چیستی مدیریت اسلامی.....	۱.....
۱-۱- بررسی دیدگاه های مختلف در خصوص مدیریت اسلامی .....	۱.....
۲-۱- جمع بندی از رویکردهای مختلف.....	۳.....
گفتار دوم: رابطه اسلام با مدیریت (رابطه علم و دین).....	۴.....
۱-۲- تعریف علم.....	۴.....
۲-۲- تعریف دین.....	۵.....
۳-۲- کارکردهای علم.....	۵.....
۴-۲- کارکردهای دین .....	۶.....
۵-۲- جاودانگی اسلام.....	۹.....
۶-۲- مقصود از جاودانگی اسلام.....	۹.....
۷-۲- تعریف مدیریت اسلامی.....	۹.....
گفتار سوم: منابع استخراج مدیریت اسلامی.....	۱۰.....
۱-۳- کتاب (قرآن).....	۱۰.....
۲-۳- سنت.....	۱۱.....
۱-۲-۳- منشاء سنت.....	۱۲.....
۲-۲-۳- انواع سنت.....	۱۲.....
۳-۲-۲-۱- سنت قولی.....	۱۲.....
۳-۲-۲-۲- سنت عملی.....	۱۳.....

- ۱۳.....۳-۲-۲-۳- سنت تأکیدی.....
- ۱۴.....۳-۳- اجماع.....
- ۱۴.....۴-۳- عقل.....
- گفتار چهارم: مبانی فراتئوریک مدیریت اسلامی..... ۱۶
- ۱۶.....۱-۴- معرفت‌شناسی.....
- ۱۶.....۱-۱-۴- امکان‌شناخت.....
- ۱۷ :.....۲-۱-۴- منابع‌شناخت.....
- ۱۷.....۳-۱-۴- ابزار‌شناخت.....
- ۱۸.....۲-۴- هستی‌شناسی.....
- ۱۸.....۳-۴- انسان‌شناسی.....
- ۲۲.....۴-۴- نمونه سؤالات درس مدیریت اسلامی.....

## گفتار اول

### چیستی مدیریت اسلامی

#### ۱-۱- بررسی دیدگاه‌های مختلف در خصوص مدیریت اسلامی

عبارت «مدیریت اسلامی» ترکیبی اضافی از دو کلمه «مدیریت» و «اسلامی» است. اما سؤال این است که آیا از این ترکیب، معنای مشخصی استنباط می‌شود یا فاقد معنای محصل است؟ همچنین در صورت مثبت بودن پاسخ، آیا این عبارت دارای یک حقیقت عینی است یا ذهنی؟ به عبارتی آیا مدیریت اسلامی قابلیت تحقق خارجی دارد یا تنها در حوزه نظر و ادعا مطرح است؟ پاسخ آنکه در مورد معناداری این عبارت شاید تردیدی نباشد اما اظهارنظرهای فراوانی در مورد وجود عینی یا ذهنی و نحوه تحقق آن مطرح شده است. می‌توان دیدگاه‌های مطرح شده در این زمینه را بر یک پیوستار تصویر نمود که چهار دیدگاه شاخص در این پیوستار قابل طرح خواهد بود<sup>۱</sup>:

#### • دیدگاه اول: مدیریت اسلامی فاقد وجود خارجی و حقیقت عینی است.

بخشی از نویسندگان که عموماً فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌های غربی هستند؛ معتقدند که مدیریت یک علم است و مانند هر علم دیگر، اسلامی و غیر اسلامی ندارد و این عبارت را ساخته و پرداخته ذهن عالمان متعصب دینی برای بسط حاکمیت خود به تمامی شؤون زندگی اجتماعی می‌دانند. این افراد در گام نخست مدیریت اسلامی را معادل «مدیریت فقهی» در نظر گرفته و در گام بعدی آن را به «مدیریت فقیهان» بر ارکان جامعه تعبیر می‌کنند و با تشبیه این نوع مدیریت به مدیریت حاکمان کلیسا در قرون وسطی، ماهیتی

---

۱- برای توضیحات بیشتر به کتاب «پیش‌نیازهای مدیریت اسلامی» حاوی مجموعه سخنرانیهای استاد محمدتقی مصباح یزدی به ویژه صفحات ۲۸۳ تا ۲۹۵ آن مراجعه شود.

کاملاً سیاسی - و نه علمی - برای آن قائل هستند. در میان نظریه‌پردازان این دیدگاه، گروهی یافت می‌شوند که شاید در ظاهر، منکر وجود مدیریت اسلامی نباشند و حتی در ظاهر به حمایت از آن هم بپردازند اما در عین حال مدیریتی را اسلامی می‌دانند که صرفاً در جهت توسعه اقتصادی کشورهای اسلامی باشد. بر این اساس می‌توان مدیریتی مشابه مدیریت ژاپنی که توسعه و پیشرفت را به دنبال دارد را نیز مصداق مدیریت اسلامی دانست. نتیجه این دیدگاه تهی ساختن مدیریت اسلامی از ارزشهای دینی و نزدیک‌سازی آن به مدیریت غربی است.

• دیدگاه دوم: اسلام برای کلیه جزئیات زندگی و از جمله مدیریت، دستورهای کاملاً مشخص دارد. این دیدگاه که در واقع نقطه مقابل دیدگاه اول را تشکیل می‌دهد بیان می‌کند که اسلام بدون نیاز به علم برای حل کلیه تعارضات اجتماعی بشر، نسخه و دستور مشخص دارد. به عنوان نمونه می‌توان با استفاده از آیات قرآن و یا روایات، نحوه مقابله با تورم را یافت.

• دیدگاه سوم: مدیریت اسلامی همان مدیریت مدیران مسلمان است. گروهی دیگر معتقدند که مدیریت اسلامی، بررسی توصیفی نحوه مدیریت مدیران مسلمان در طول تاریخ است. یعنی همانگونه که فلسفه اسلامی به معنای فلسفه فیلسوفان مسلمان است؛ مدیریت اسلامی هم معنای مشابهی دارد. بر این اساس باید رفتار حاکمان مسلمان در طول تاریخ مورد توجه و بررسی قرار گیرد. به عنوان نمونه، مطالعه شیوه مدیریتی پیامبر اکرم (ص) و ائمه معصومین (ع) می‌تواند سودمند واقع شود.

• دیدگاه چهارم: تأثیرگذاری اسلام بر مدیریت از طریق نظام ارزشی. این رویکرد که در میانه پیوستار قرار می‌گیرد، اثرگذاری اسلام بر نظریه‌ها و از جمله روشهای عملی مدیریت را از طریق تأثیرات ناشی از ارزشهای اسلامی می‌داند. به عبارت دیگر نظام ارزشی اسلام بر مدیر مسلمان تأثیر گذارده و انتخاب روشهای عملی مدیریتی را از سوی او متأثر می‌سازد. لذا در عمل شاهد خواهیم بود که در یک موقعیت مشابه، در بسیاری موارد مدیر پایبند به اسلام به شیوه متفاوت از مدیر غیرپایبند عمل خواهد کرد. این تفاوت را باید در «چرایی»، «هدف» و «معیار» مدیریت جستجو نمود.

## ۱-۲- جمع‌بندی از رویکردهای مختلف

در پایان این مبحث به مقایسه چهار دیدگاه مطرح شده می‌پردازیم:

۱- مباحثی که در ادامه ارائه خواهد شد نشان می‌دهد که دیدگاه‌های اول و دوم را باید ناشی از عدم شناخت صحیح از اسلام و گرفتار نوعی افراط و تفریط دانست.

۲- رویکرد سوم نیز تا حدودی می‌تواند سودمند باشد. یعنی آنجا که پیامبران عظیم‌الشان و امامان معصوم (صلوات‌الله علیهم اجمعین) به عنوان الگوهای مدیریتی مورد نظر هستند قابل پذیرش است. دلیل آنکه در طول تاریخ حاکمان ستمکار فراوانی بوده‌اند که خود را حاکم اسلامی معرفی نموده‌اند؛ اما رفتارهای مدیریتی آنان تناسبی با تعالیم اسلام نداشته است.

۳- دیدگاه چهارم صحیح‌تر از سایر دیدگاه‌ها به نظر می‌رسد. در واقع اسلام دارای یک نظام ارزشی پویا و منظم است که می‌تواند در پاسخ به سؤالات بشر با توجه به مقتضیات زمان و ارزشهای خاص خود، احکام مشخص و معینی در مقوله‌های اجتماعی و از جمله مدیریت صادر کند. در مباحث بعدی ابعاد این نظام ارزشی را بیشتر بررسی خواهیم نمود.

## گفتار دوم

### رابطه اسلام با مدیریت (رابطه علم و دین)

در گفتار اول، ارتباط اسلام و مدیریت تا حدودی تبیین شد اما بررسی عمیق این موضوع در گرو آن است که به یک پرسش مهمتر پاسخ دهیم و آن رابطه میان یک علم (مانند علم مدیریت) با یک دین (همانند دین اسلام) است. در گام نخست به تعریفی از این علم و دین می‌پردازیم.

#### ۲-۱- تعریف علم

هرچند علم در لغت به معنای «دانستن، آگاهی و معرفت» است اما معنای اصطلاحی آن در گذر زمان دستخوش تغییرات فراوانی شده است. به ویژه در طی سالهای پس از رنسانس در غرب، علم در معنای Science ماهیتی کاملاً تجربه‌پذیر و حس‌گرا یافت. یعنی در طی چند قرن اخیر در تمدن غربی علم تنها به چیزی اطلاق می‌شود که بر اساس حواس پنجگانه قابلیت اثبات‌پذیری و یا ابطال‌پذیری داشته باشد. این نگاه پوزیتیویستی به علم موجب شد که علم ماهیتی صرفاً تجربی پیدا نماید و شکاف بزرگی میان علوم تجربی با سایر معارف بشری پدید آید. بر اساس چنین نگرشی می‌توان «علم را مجموعه دانستنی‌هایی قلمداد نمود که بر تجربه مستقیم حسی مبتنی است و در برابر همه دانستنی‌هایی قرار می‌گیرد که با حواس پنجگانه قابل آزمون نیست»<sup>(۱)</sup>.

تعریف فوق نشان می‌دهد که اختلاف در نگاه به علم ناشی از دو موضوع است:

۱- موضوع: موضوع علم در نگاه تجربه‌گرایانه صرفاً جهان محسوس و فیزیکی است و در نقطه مقابل هر آنچه که محسوس نیست و به آن متافیزیک اطلاق می‌گردد (و از جمله بخشهای گسترده‌ای از علوم انسانی) از حوزه علم خارج می‌شود.

۲- از نظر روش استخراج و دستیابی به علوم نیز که ناشی از مباحث معرفت‌شناسی است، میان علوم مختلف تفاوت وجود دارد؛ برخی علوم به روش تجربی، برخی به روش عقلی و ....  
یک تعریف مناسب‌تر از علم به صورت زیر قابل ارائه است:

«علم مجموعه‌ای از قضایا که حول یک محور کلی مطرح شده و با روشهای مناسب با طبیعت قضایای مزبور مورد بررسی و تحقیق قرار می‌گیرد».

## ۲-۲- تعریف دین

تعاریف متفاوت و متعددی از دین وجود دارد که مجال پرداختن به همه آنها در این مبحث وجود ندارد لذا تنها به عنوان نمونه به ارائه چند تعریف از دین بسنده می‌کنیم:

«دین عبارتست از اعتقاد به آفریننده‌ای برای جهان و انسان و دستورات عملی مناسب با این عقاید<sup>(۲)</sup>».

«دین مجموعه‌ای از عقاید، اخلاق، قوانین و مقرراتی است برای اداره امور جامعه انسانی و پرورش انسانها<sup>(۳)</sup>».

«دین را باید به منزله درختی دانست که عقاید ریشه آن، ارزشهای اخلاقی شاخه‌های اصلی آن و احکام عملی شاخ و برگهای آن را تشکیل می‌دهد<sup>(۴)</sup>».

بر اساس آنچه بیان شد می‌توان آموزه‌ها و مفاهیم دینی را به صورتهای زیر دسته‌بندی نمود:

۱) تقسیم مفاهیم دینی به اصول دین و فروع دین.

۲) تقسیم مفاهیم دینی به نظام هستها و نظام بایدها.

۳) تقسیم مفاهیم دینی به عقاید (الهیات)، اخلاق و احکام (فقه).

به طور کلی ادیان الهی دارای حقیقت واحد هستند یعنی اگر میان این ادیان اختلافی وجود داشته

باشد آن را باید در احکام (نظام بایدها یا فروع دین) جستجو نمود نه در عقاید و اصول دین.



## ۲-۳- کارکردهای علم

بزرگترین کارکردهای علوم تجربی را می‌توان «تبیین و تفسیر» و «پیش‌بینی» و «کنترل» دانست. این خواص را باید منشاء و مبداء گسترش خارق‌العاده علوم تجربی و اکتشافات بشری دانست.

## ۲-۴- کارکردهای دین

معمولاً در برخورد با گزاره‌های دینی دو رویکرد وجود دارد:

اول رویکرد حق‌جویانه (پرسش‌گرایانه) که در پی پرسش از درستی یا نادرستی گزاره‌های دینی هستند. دوم نگرش کارگردگرایانه که صرفنظر از حق و باطل بودن گزاره‌های دینی، بر تأثیر این گزاره‌ها بر زندگی و شخصیت افراد توجه می‌شود. بر اساس این نگرش می‌توان کارکردهایی برای دین برشمرد از جمله:

- پاسخ به احساس تنهایی
- کاهش دادن ترس از مرگ
- کاهش رنج و تعب
- معنابخشی به زندگی
- حل تنازع و تعارض میان آدمیان
- کنترل افراد جامعه
- تقدیم منافع مهمتر دیگران بر منافع شخصی
- جلوگیری از بحرانهای روحی
- رهایی انسان از اسارت‌های ظاهری و باطنی
- پشتیبانی از اخلاق
- زدودن عقاید باطل و خرافی از جوامع انسانی

## ۲-۵- جاودانگی اسلام

یک سؤال و چالش اساسی در ارتباط با اسلام و مدیریت که هنوز پاسخی به آن نداده‌ایم این است که آیا اسلام با قدمت ۱۴۰۰ ساله خود می‌تواند ارتباط و تعامل مناسبی با دانش مدیریت به عنوان یک واقعیت جهان معاصر برقرار نماید؟

توضیح آنکه مدیریت به عنوان یک دانش آکادمیک در سالهای آغازین قرن بیستم میلادی مطرح شد و در طول قرن اخیر بسط و گسترش خارق‌العاده‌ای یافت. دلیل پیدایش این علم نیز همانند هر علم بشری، نیاز بشر به آن بوده است. یعنی پس از خلق یک موجود مجازی با نام سازمان که نیاز عصر مدرن به شمار می‌آید، معضلات و مشکلات جدیدی برای بشر پدید آمد که علم مدیریت درصدد پاسخگویی به این معضلات بود. قبل از عصر انقلاب صنعتی، سازمان تنها منحصر به سازمانهای دولتی می‌شد که تعداد آنها بسیار محدود بود. لذا در این مقطع اگر سخنی از مدیریت بود تنها در حد همین سازمانهای محدود حکومتی مطرح می‌شد. انقلاب صنعتی در کنار میلیاردها انسان، میلیونها سازمان مختلف را پدید آورد که متصدی خدمات‌رسانی به انسانها و رفع احتیاجات مختلف آنها در سراسر جهان بودند. حال چگونه دین به عنوان پدیده اعصار گذشته (عصر ماقبل صنعتی) می‌تواند با سازمان، این پدیده مدرن و محصول عصر صنعتی و فراصنعتی تعامل برقرار نماید؟ یا به عبارتی آیا دین به عنوان پدیده عصر ماقبل صنعتی می‌تواند پاسخگوی نیازهای بشر مدرن در جوامع صنعتی و فراصنعتی باشد؟ پاسخ به این سؤالات در واقع همان اثبات «جاودانگی دین» خواهد بود.

مخالفین جاودانه بودن دین، شبهاتی پیرامون این موضوع مطرح می‌کنند که به اختصار به دو شبهه اساسی در این زمینه اشاره می‌شود.

### ایراد اول: اصل فلسفی تغییر

اولین شبهه‌ای که پیرامون جاودانگی دین مطرح می‌شود اصل فلسفی تغییر است. بر اساس این اصل، جهان به صورت مستمر در حال تغییر است و هیچ چیز ثابتی در آن وجود ندارد. هستی و هر آنچه در آن است هر لحظه در حال تغییر و تحول و دگرگونی است، لذا هیچ چیز جاویدانی در این عالم وجود ندارد و دین نیز نمی‌تواند جاوید باشد.

پاسخ به این ایراد به صورت اختصاری به صورت زیر است:

اولاً اسلام نیز منکر تغییرات مستمر در عالم نیست. اسلام خود مشوق انسانها به تغییر بوده و حتی برخی پدیده‌ها که تغییرات آنها از چشم بشر پنهان بوده را نیز به عنوان پدیده‌های متغیر یاد نموده است:

و تری الجبال تحسبها جامده و هی تمر مر السحاب

«و کوهها را بنگری و جامد و ساکن تصور کنی، حال آنکه همانند ابر در حرکتند.» (سوره نمل، آیه ۸۸)

ثانیاً درست است که پدیده‌های عالم تغییر می‌کنند؛ اما این تغییر در پدیده‌ها دارای نظم و قانون مشخص و ثابت و پایدار است. به عنوان نمونه تغییرات در عالم ماده، بر اساس قوانین ثابت فیزیکی، شیمیایی، زیست‌شناختی و ... صورت می‌پذیرد که کار علم هم کشف این قوانین ثابت است. اسلام نیز یک قانون است نه یک پدیده؛ لذا این ادعا که هیچ چیز جاویدان در این عالم وجود ندارد ادعایی غلط است. قانون اسلام از سنخ قوانین موضوعه نیست بلکه همانند قوانین طبیعی است و با فطرت و طبیعت انسانها هماهنگ به شمار می‌آید.

#### ایراد دوم: تغییر مستمر در نیازهای اجتماعی بشر

مخالفین جاودانگی دین، شبهه دیگری پیرامون آن مطرح می‌کنند. بنا به نظر آنان، بشر در هر دوره‌ای از زمان، دارای نیازهای خاص بوده است. به عنوان نمونه انسان عصر صیادی و ماهیگیری (انسان بدوی) نیازهای خاص خود را داشته و انسان دوره کشاورزی و انسان عصر مدرنیست و پسامدرنیست نیز نیازهای خاص خود را دارند. از آنجا که قانون برای رفع عادلانه و شرافتمندانه همین نیازها مطرح شده؛ لذا در هر عصری باید قوانین خاص آن عصر تهیه و تنظیم گردد به عنوان نمونه برای انسان عصر کشاورزی که بر اسب و الاغ سوار می‌شد نیازی به قوانین راهنمایی و رانندگی وجود نداشت اما بشر امروز نیازمند این دسته از مقررات است. بنا به عقیده این دسته، اسلام در ۱۴۰۰ سال پیش به منظور پاسخگویی به نیازهای بشر آن عصر مطرح شده و امروز کاربردی ندارد.

پاسخ مختصر به این شبهه به صورت زیر خواهد بود:

اولاً نیازهای بشر را می‌توان به دو دسته تقسیم نمود: یکی نیازهای اولیه که از عمق ساختمان جسمی و روحی بشر و از طبیعت زندگی انسان سرچشمه می‌گیرد و می‌تواند روحی، جسمی، اجتماعی و ... باشد. هرم نیازهای مازلو اشاره به این نیازها دارد که در میان تمامی انسانها با درجات متفاوت، وجود دارد.

دیگری نیازهای ثانویه است که در واقع شکل ارضای نیازهای اولیه است. نیازهای اولیه نیازهای ثابت هستند و نیازهای ثانویه معمولاً نیازهای متغیر.

ثانیاً قوانین اسلام بر نیازهای اولیه بشر تأکید دارد نه بر نیازهای ثانویه. به عنوان نمونه غرایز انسانها در طول تاریخ یکسان بوده و فقط شکل پاسخگویی به این غرایز تغییر نموده است. لذا با توجه به دو مقدمه بالا ادعای ناکارآمدی اسلام در عصر مدرن نمی‌تواند قابل پذیرش باشد.

## ۲-۶- مقصود از جاودانگی اسلام

مطالب بیان شده نشان می‌دهد که اسلام با گذر زمان رنگ کهنگی به خود نمی‌گیرد و دینی جاودانه است. به عبارت دیگر اسلام از یک سیستم قانونگذاری منحصر به فرد برخوردار بوده که می‌تواند متناسب با پیشرفته‌ها و نیازهای هر عصر، خود را هماهنگ نموده و تکلیف انسان را در هر زمان روشن نماید. بر اساس دیدگاه سیستمی می‌توان اسلام را همانند یک سیستم زنده و پویا در نظر گرفت که ورودی آن نیازها و سؤالات بشر هر عصر و خروجی آن دستورات و پاسخهای اسلام به آن سؤالات می‌باشد.

## ۲-۷- تعریف مدیریت اسلامی

یک تعریف از مدیریت اسلامی به شکل زیر قابل ارائه است:

«مدیریت اسلامی مجموعه‌ای از گزاره‌ها یا مفاهیم مشخص و مرتبط با یکدیگر و برگرفته از منابع اسلامی بوده، ناظر به نحوه اداره افراد و منابع در جامعه و سازمان برای رسیدن به اهداف از پیش تعیین شده است»<sup>(۵)</sup>.

### پی‌نوشتها:

- ۱- عبدالکریم سروش، علم چیست؟ فلسفه چیست؟، (تهران: مؤسسه فرهنگی صراط، ۱۳۶۸) ص ۱۲.
- ۲- محمد تقی مصباح یزدی، اصول عقاید، جلد اول، ص ۲۸.
- ۳- عبدالله جوادی آملی، شریعت در آئینه معرفت، ص ۹۳.
- ۴- محمد تقی مصباح یزدی، پیش‌نیازهای مدیریت اسلامی، ص
- ۵- ابوالفضل گائینی، «پیش‌فرضهای معرفت‌شناسی در مدیریت اسلامی»، فصلنامه حوزه و دانشگاه، سال نهم، زمستان ۱۳۸۲، صص ۶۹-۱۰۹.

## گفتار سوم

### منابع استخراج مدیریت اسلامی

برای استخراج نظر الهی در هر مورد خاص از جمله در حوزه مدیریت اسلامی، صاحب‌نظران دینی

چهار منبع اولیه برای این منظور معرفی می‌کنند که عبارتند از:

- کتاب (قرآن)
- سنت
- اجماع
- عقل

### ۳-۱- کتاب (قرآن)

قرآن نه تنها منبعی سرشار برای کلیه موضوعات و معارف اسلامی است بلکه سایر معارف دینی نیز باید بر قرآن عرضه شده و در صورت سازگاری با قرآن مورد پذیرش قرار گیرد. معارف قرآن به ۵ دسته کلی تقسیم می‌شود<sup>(۱)</sup>:

(۱) اصول عقاید: مهمترین بخش قرآن کریم مبحث اصول عقاید است که به ترسیم زیربنای اساسی

مکتب اسلام در قالب سه اصل توحید، نبوت و معاد می‌پردازد.

(۲) احکام: حدود ۵۰۰ آیه قرآن به احکام عبادات، معاملات و ... اختصاص دارد. مانند آیاتی از قرآن که

احکام نماز و روزه را بیان می‌دارد.

(۳) اصول اخلاقی: قرآن به آموزش آداب و اخلاق اجتماعی و فردی می‌پردازد. همانند:

و قولوا للناس حسناً<sup>۲</sup>

«و با مردم با نیکویی سخن گوید.» (بقره، آیه ۸۸)

### و لا تمش فی الارض مرحاً ۳

«هرگز در زمین با تکبر و ناز راه مرو» (اسراء، ۷۷)

۴) قصص و تاریخ: ذکر حالات اقوام و امتهای گذشته و انبیاء پیشین و در این میان ذکر عوامل پیروزی، شکست، سقوط و موفقیت تمدنها تا از این راه آموزشی برای آیندگان باشد. قصص قرآن نه داستان است، نه تاریخ و نه افسانه‌سرایی بلکه تحلیلی کلی است فراتر از زمان و مکان.

۵) امثال و حکم: استفاده از تمثیل برای ذکر نکات مهم و دشوار در قالب مثالهایی همانند باد و باران. به عنوان نمونه در سوره جمعه خداوند عالمان بی‌عمل را به چهارپایانی که کتاب بر دوش می‌کشند تشبیه می‌سازد:

مثل الذین حملوا التوره ثم لم یحملوها کمثل الحمار<sup>۴</sup>

«وصف حال آنانکه (عالمان یهود) کتاب (تورات) را حمل کرده اما بر خلاف آن عمل می‌کنند همانند چهارپایی است که بار

کتاب را بر پشت دارد.»

قرآن را باید معجزه جاویدان پیامبر اسلام قلمداد نمود. یعنی همانگونه که دین اسلام دینی جاویدان است قرآن مجید نیز به عنوان معجزه پیامبر اسلام همواره در منظر و معرض قضاوت انسانهای همه عصرها و زمانها قرار دارد<sup>(۵)</sup>. قرآن خود همه انسانها را خطاب می‌سازد و آنها را به مبارزه دعوت می‌کند (تحدی) که اگر تردیدی در معجزه بودن این قرآن دارید حداقل سوره‌ای همانند سوره‌های آن ارائه نمایید<sup>(۶)</sup>:

و ان کنتم فی ریب مما نزلنا علی عبدنا فأتوا بسوره من مثله<sup>(۷)</sup>

«و اگر شکی است در قرآنی که ما بر بنده خود (محمد صلوات‌الله علیه و آله) فرو فرستادیم پس یک سوره همانند آن بیاورید»

### ۳-۲- سنت

سنت در لغت به معنای راه و روش، رسم و عادت پیشینیان و در اصطلاح دارای دو معنی زیر است:

۱- مستحب در مقابل واجب.

۲- قول، فعل و تقریر (تأکید) معصوم<sup>(۸)</sup>

در این مباحث سنت در معنای اخیر آن مورد بررسی قرار می‌گیرد.

### ۳-۲-۱- منشاء سنت

همانگونه که در مبحث قبل بیان گردید قرآن منبع اصلی و اولیه در شناخت معارف دینی شمرده می‌شود و صحت سایر منابع دینی به دلیل تأکید قرآن است. بر این اساس دلیل استناد به سنت، دستور الهی برای متابعت از پیامبر و جانشینان وی است. در این زمینه در موارد متعدد، خداوند مسلمانان را به متابعت دستورات پیامبر فرا می‌خواند.

باید به این نکته توجه نمود که سنت در نزد عامه (اهل سنت) منحصر به سنت پیامبر است اما شیعه بنا به دلایل متعدد و از جمله دستور پیامبر مبنی بر لزوم متابعت از قرآن و عترت و جدایی ناپذیر بودن این دو از یکدیگر (حدیث ثقلین) سنت پیامبر و سیزده معصوم دیگر را نیز مورد نظر قرار می‌دهد<sup>(۹)</sup>.

### ۳-۲-۲- انواع سنت

سنت خود دارای سه نوع است که در ادامه به تشریح آنها می‌پردازیم:

### ۳-۲-۲-۱- سنت قولی

قول یا «سنت قولی» به گفتار و الفاظ صادره از سوی معصوم در قالب حدیث، روایت و خبر اطلاق می‌شود. ناقلان حدیث در آغاز صحابه، خویشان و همراهان پیامبر بوده و در درجه بعد شاگردان آنها. جمع‌آوری حدیث در ابتدا به صورت شفاهی بود اما بعد به صورت مکتوب صورت پذیرفت<sup>(۱۰)</sup>.

از جمله منابع مکتوب حدیث در میان شیعه می‌توان به کتب اربعه شیعه اشاره نمود. قابل ذکر است در دوره نائب چهارم امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الصریف) که دامنه فقه توسعه یافته بود برخی از بزرگان علما و محدثین، احادیث اهل بیت را در مجموعه‌هایی تنظیم و مرتب نمودند و بدین ترتیب در مدت یک قرن چندین مجموعه بزرگ حدیث پدید آمد. چهار کتاب که از مقبولیت بیشتری در بین علمای شیعه برخوردار شده؛ به کتب اربعه مشهور شده است و شامل<sup>(۱۱)</sup>:

(۱) کافی: تألیف محمد بن یعقوب کلینی که دارای ۱۶۱۹۹ حدیث می‌باشد.

(۲) من لایحضره الفقیه: تألیف شیخ صدوق و مشتمل بر ۹۰۴۴ حدیث.

۳) تهذیب الاحکام: تألیف شیخ طوسی مشتمل بر ۱۳۵۹۰ حدیث.

۴) استبصار: تألیف شیخ طوسی شامل ۵۵۱۱ حدیث.

از سایر کتب معتبر شیعه می‌توان به وسائل الشیعه، بحارالانوار و وافی اشاره نمود.

### ۳-۲-۲-۲- سنت عملی

انجام یا ترک عمل از سوی معصوم به عنوان فردی که از هرگونه خطا و اشتباه مصون است تبیین کننده دستور الهی در یک موضوع خاص بوده و از آن عمل، حکم خدا کشف می‌شود. انجام یا ترک عمل دو نتیجه برای ما حاصل می‌نماید:

- انجام عمل از سوی معصوم: حداقل آن عمل مجاز است.
- ترک عمل از سوی معصوم: حداقل آن عمل واجب نمی‌باشد.

### ۳-۲-۲-۳- سنت تأکیدی

اگر در حضور معصوم عملی انجام گیرد و یا حکمی از احکام الهی بیان گردد و یا به معصومی دیگر نسبت داده شود و حضرت آن عمل را نهی نکند و یا آن خبر را تکذیب نکند؛ این عدم تکذیب و نهی از سوی معصوم، به منزله امضا و تأیید آن عمل محسوب می‌شود. به طور خلاصه، سکوت معصوم در برابر انجام عملی در حضور وی و یا بیان حکمی از احکام الهی به معنای امضا و تأیید آن عمل و یا حکم محسوب می‌شود. استناد به سنت تقریری بر اساس دو مقدمه استدلالی زیر می‌باشد:

۱) وجوب امر به معروف و نهی از منکر بر هر فرد مسلمان که معصوم نیز یکی از آنان است.

۲) معصوم هیچ‌و‌اجبی را ترک نمی‌کند.

باید به این نکته توجه نمود که تقریر با رعایت دو شرط زیر محقق می‌گردد<sup>(۱۲)</sup>:

۱) انجام عمل یا بیان حکم به طور کامل در حضور معصوم باشد.

۲) با توجه به شرایط زمانی و مکانی، مانعی برای اظهارنظر معصوم وجود نداشته باشد. به عبارت دیگر امکان

ردع و منع برای معصوم وجود داشته و در شرایط تقیه نباشد<sup>(۱۳)</sup>.



قابل ذکر است که در عصر غیبت سنت فعلی و سنت تقریری هم از طریق خبر و روایت (سنت قولی) به ما منتقل می‌شود. از سوی دیگر سنت تقریری دو نتیجه برای مکلف دارد<sup>(۱۴)</sup>:

- اگر عملی در حضور معصوم انجام شده و معصوم به آن اعتراض نکند یعنی آن عمل حداقل ممنوع نیست (هرچند وجوب یا استحباب مشخص نمی‌شود).
- اگر واجبی در حضور معصوم انجام شده و معصوم به آن ایراد نگیرد یعنی آن عمل صحیح است. یعنی به عنوان نمونه شخصی در حضور معصوم نماز بگذارد و معصوم به نحوه نماز خواندن او ایرادی نگیرد یعنی آن عمل صحیح بجای آورده شده است.

### ۳-۳-۳- اجماع

مقصود از اجماع، اتفاق نظر فقهای شیعه بر حکمی از احکام اسلام به گونه‌ای که کاشف از نظر معصوم باشد. اجماع منبع فرعی محسوب می‌شود زیرا در واقع ارزش اجماع به دلیل کاشفیت از نظر معصوم است. بدیهی است اجماع مربوط به دوره تاریخی معاصر با ائمه معصومین است.

### ۳-۴- عقل

عقل یعنی نیروی درک کننده درونی که اثبات یا نفی قضایای کلی را درک می‌کند. عقل یک منبع مستقل نیست بلکه به عنوان کاشف حکم شرعی محسوب می‌شود. به عنوان نمونه در مواردی که حکم شرعی از طرف شارع نرسیده باشد اما حکم قطعی عقلی وجود داشته باشد می‌توان از حکم عقل حکم شرع را به دست آورد<sup>(۱۵)</sup>.

### پی‌نوشتها:

۱ - محمدعلی انصاری، مبانی مدیریت اسلامی و الگوهای آن (مشهد: بیان هدایت نور، چاپ دوم، ۱۳۸۱) صص ۳۵ تا ۳۹.

۲- سوره بقره، آیه ۸۸.

- 
- ۳- سوره اسراء، آیه ۷۷.
- ۴- سوره جمعه، آیه ۵.
- ۵- سیدمصطفی محقق داماد، **مباحثی از اصول فقه** (تهران: اندیشه‌های نو در علوم اسلامی، چاپ شش، ۱۳۷۲) ص ۱۵.
- ۶- برای توضیحات بیشتر به کتابهای علوم قرآنی از جمله کتاب زیر مراجعه شود:  
محمدهادی معرفت، **علوم قرآنی** (تهران: انتشارات سمت، چاپ دوم ۱۳۸۴) صص ۲۰۱ تا ۲۷۰.
- ۷- سوره بقره، آیه ۲۳.
- ۸- محمد علی انصاری، همان، ص. ۴۰.
- ۹- مرتضی مطهری، **آشنایی با علوم اسلامی: اصول فقه** (تهران: انتشارات صدرا) ص ۲۳.
- ۱۰- سیدمصطفی محقق داماد، همان، ص ۵۱.
- ۱۱- همان، صص ۵۶ تا ۵۹.
- ۱۲- همان، ص ۵۰.
- ۱۳- محمد علی انصاری، همان، ص ۴۱.
- ۱۴- پیشین، ص ۴۹.
- ۱۵- برای توضیحات بیشتر به کتاب آشنایی با علوم اسلامی: اصول فقه اثر استاد شهید مرتضی مطهری مراجعه شود.

## گفتار چهارم

### مبانی فراتئوریک مدیریت اسلامی

ابعاد فراتئوریک در هر علم و نظریه، وظیفه تعیین مبادی تصویری و تصدیقی آن را برعهده دارند. نفوذ به لایه‌های زیرین و زیربنایی و محوری هر نظریه، درک مفاهیم اساسی آن، درک نحوه تکوین و شکل‌گیری و موارد مهم دیگر، تنها در پرتو شناخت ابعاد فراتئوریک نظریات ممکن است. مهمترین ابعاد فراتئوریک شامل موارد زیر هستند:

- معرفت‌شناسی
- هستی‌شناسی
- انسان‌شناسی
- وظیفه‌شناسی

#### ۴-۱- معرفت‌شناسی

معرفت‌شناسی (Epistemology): علمی که درباره شناخت‌های انسان و ارزشیابی انواع و تعیین ملاک صحت و خطای آن بحث می‌کند.<sup>۱</sup> معرفت‌شناسی در میان ابعاد فراتئوریک، حالت محوری دارد.

#### ۴-۱-۱- امکان‌شناخت

در ابتدا باید این نکته را متذکر شد که در تمامی این مباحث مقصود از شناخت دستیابی به یقین است و ظن و شک و تردید، شناخت محسوب نمی‌شود. در مورد امکان‌شناخت دو نظریه کلی وجود دارد:

الف) شک‌گرایان: شک‌گرایان امکان هر نوع شناختی را به دلیل خطاها و محدودیت‌های موجود در حواس ناممکن می‌شمارند.

ب) سایرین: سایر اندیشمندان امکان شناخت را ولو به صورت محدود برای بشر ممکن دانند.<sup>۲</sup>

#### ۴-۱-۲- منابع شناخت:

شهید مطهری چهار منبع برای شناخت معرفی می‌کنند که رویکردهای معرفت‌شناسانه هر یک بر یک یا چند منبع آن تأکید می‌ورزند.<sup>۳</sup> این منابع شامل:

۱) **طبیعت:** مقصود جهان جسمانی، جهان زمان، مکان و حرکت و جهانی که با حواس خود در ارتباط هستیم. صاحب‌نظران مدیریت غربی معمولاً تنها این منبع را برای شناخت معتبر می‌شمارند. از نظر آنان هر آنچه محسوس نباشد، قابل شناخت نیست. ادراک حسی از نظر آنان یعنی ادراکی که در اثر تماس اندامهای حسی با پدیده‌های مادی محسوس، حاصل می‌شود.

۲) **عقل:** یعنی قوه‌ای که متصدی تجزیه، تحلیل، تجرید، تعمیم و استدلال و انتزاع است.

۳) **قلب و دل:**

۴) **تاریخ:** تاریخ به عنوان متصدی بیان تحولات جامعه منبع چهارم برای شناخت محسوب می‌شود.

در نظریات مدیریت غربی که بر تجربه‌گرایی بنا شده تنها منبع شناخت، طبیعت است. از نظر آنان ادراک حقیقی به ادراک حسی منحصر می‌گردد.

#### ۴-۱-۳- ابزار شناخت

ابزارهای شناخت را می‌توان شامل موارد زیر دانست:

۱- **حواس ظاهری:** ابزاری برای شناخت از منبع طبیعت است. این شناخت در قالب روش استقرایی صورت می‌پذیرد.

۲- **استدلال منطقی (قیاس و برهان):** اگر عقل را منبعی برای شناخت بدانیم در آن صورت قیاس و برهان ابزار بهره‌برداری از این منبع خواهد بود.

تزکیه نفس: بهره‌گیری از منبع قلب و دل که با تزکیه نفس صورت می‌پذیرد.<sup>۴</sup> پاره‌ای از اندیشمندان و فیلسوفان غربی همانند: پاسکال (ریاضیدان معروف)، ویلیام جیمز و ... قلب را تنها منبع شناخت می‌دانند.<sup>۵</sup>

#### ۴-۲- هستی‌شناسی (Ontology)

در هستی‌شناسی، حقیقت هستی و انواع و جلوه‌های آن و روابط کلی موجودات با یکدیگر مورد بحث و کاوش قرار می‌گیرد. هستی‌شناسی به شدت متأثر از معرفت‌شناسی است. در مدیریت غربی با معرفت‌شناسی مبتنی بر حس‌گرایی و تجربه‌گرایی، هستی منحصر به جهان ماده بوده و لذا مبداء و معاد و تمامی مجردات مورد انکار قرار می‌گیرد. در نتیجه منحصر دانستن حیات انسان به زندگی محدود دنیایی، درصدد بهره‌گیری هرچه تمام‌تر از این دوره کوتاه عمر هستند. مکتب اصالت منفعت و سودجویی را باید از ثمرات چنین نگاهی به هستی دانست.

#### ۴-۳- انسان‌شناسی

انسان‌شناسی درصدد بیان دیدگاه مکاتب مختلف به انسان است. تعریفی که هر مکتب فکری از انسان ارائه می‌دهد بر تمامی ابعاد و جوانب آن مکتب پرتو خواهد افکند. انسان‌شناسی در غرب مراحل گوناگونی را پشت سر گذاشته که در هر مرحله فقط گونه‌ای از ابعاد وجودی انسان مورد تأکید قرار داشته است. تحولات پس از رنسانس، مقوله انسان‌شناسی را وارد مرحله تازه‌ای کرد؛ به ویژه تجربه‌گرایی موجب شد تا فقط ابعاد محسوس و مادی انسان، مورد توجه قرار گیرد. با توجه به گستردگی مباحث انسان‌شناسی و از آنجا که اکثر نظریات مدیریتی در قرن بیستم شکل گرفت، نگاهی کوتاه به رویکرد انسان‌شناسی در این دوره می‌تواند راهگشا باشد.

رویکردهای فلسفی حس‌گرایی (امپرسیسیسم)<sup>۶</sup> و تجربه‌گرایی (پوزیتیویسم)<sup>۷</sup> مطرح در اکثر دهه‌های این قرن دیدگاه غالب بوده است، خود موجب گردید تا به تبع رویکرد معرفت‌شناسی مبتنی بر حواس و تجربه و پوچ و بی‌معنا دانستن هر شناختی که بر محسوسات بنا نشده، شناخت از انسان نیز صرفاً بر پایه مشهودات و محسوسات شکل گیرد. مطابق این رویکردها، انسان موجودی تک‌ساحتی و صرفاً مادی و جسمانی است. انسان ایده‌آلی که مکاتب غربی پس از رنسانس مطرح نمودند، متأثر از نه عامل زیر است:

۱- توجه انحصاری به علوم تجربی: قدرت بی نظیر و انحصاری که علوم تجربی در تبیین وضع موجود و پیش بینی و کنترل آینده در اختیار بشر قرار داد، او را بر برنامه ریزی، طراحی و در نتیجه تغییر آینده توانمند ساخت. همین امر باعث شد که علوم تجربی ارزش و منزلت فراوانی پیدا نماید.

۲- توجه انسان به علوم عملی، فنآوری و صنعت.

۳. تصمیم جدی انسان بر تغییر جهان و تلاش در جهت بهبود سطح زندگی.

۴. توجه انسان به رفتار سرمایه داری و اقتصاد بازار آزاد و طرح پدیده‌ای با عنوان انسان اقتصادی.

انسان اقتصادی مورد نظر این نظریات دارای ویژگیهای زیر است:

- **حاکمیت قوانین طبیعی بر رفتارهای انسان اقتصادی:** تحولات پس از رنسانس موجب شد تا حاکمیت بلامنازع قوانین طبیعی بر رفتار انسان مطرح شود. همانگونه که قوانین طبیعی از یکنواختی پدیدارهای عالم سخن می‌گفت<sup>۸</sup> و در عرصه‌های مختلف علوم تجربی بشر را بر تبیین و تفسیر و پیش‌بینی و کنترل پدیده‌ها توانمند می‌ساخت؛ همین تفکرات در مورد انسان نیز وجود داشت. فرض بر این بود که جامعه انسانی مانند همه پدیده‌های فیزیکی، ماشینی عظیم است که با مجموعه‌ای از قوانین طبیعی اداره می‌شود و این قوانین برای تنظیم روابط اجتماعی راهگشا است<sup>۹</sup>. مدافعان روش تجربی معتقدند که میان شناخت انسان با شناخت طبیعت و موجودات آن تفاوت اصولی وجود ندارد. بر انسان، پدیده‌ها و رفتارهای انسانی نیز همانند طبیعت، قوانین ثابت حکمفرما است و فردیت، اختیار و آزادی انسانها به گونه‌ای نیست که مانع دستیابی به چنین نظم و قانونهایی شود. بر این اساس، عالم انسان شناس می‌تواند با تحقیقات تجربی نظاره‌گر این قوانین باشد و با تبیین آنها و شناخت علل حوادث و پدیده‌های انسانی، توانایی و امکان پیش‌بینی و تصرف در رفتار و مقولات انسانی را پیدا نماید. این نگاه مکانیکی به انسان را به کاملترین صورت می‌توان در نظریات کلاسیک مدیریت یافت که انسان همانند سایر نهاده‌های تولید، ابزاری در اختیار مدیریت قرار دارد. واضح است که چنین انسانی فاقد رفتارهای ارادی تصور می‌شود.
- **تبعیت رفتار انسان اقتصادی از منافع شخصی:** کمال انسان اقتصادی در رسیدن به حداکثر لذت و نفع شخصی است. تمایلات منفعت طلبانه انسان که از تولد تا مرگ همراه او است، حتی رفتارهای نوع‌دوستانه انسان را از خود متأثر می‌سازد. برای این انسان، فقط چیزهایی مهم است که بالاترین لذت را به او می‌بخشد.

• **تطبيق منافع جمعی بر منافع شخصی:** در نظریه انسان اقتصادی، فرد برای تأمین منافع شخصی خود می‌کوشد؛ اما قوانین طبیعت و دست نامرئی آن باعث می‌شود که منافع شخصی افراد مختلف، هیچگونه تضادی با یکدیگر نداشته باشند و در یک حرکت هماهنگ و نظم خودجوش، اجتماع را به سمت رفاه و سعادت پیش ببرند. هدف فرد، بیشینه کردن سود است، هدف سازمان نیز چیزی جز این نیست؛ لذا این دو می‌توانند به بهترین وجه با یکدیگر تعامل نمایند. سازمان می‌تواند فرد را با انگیزه‌های اقتصادی برانگیزاند و او را در خدمت اهداف خود در آورد و همین انگیزه‌های اقتصادی هستند که رفتار فرد را جهت خواهند بخشید. این اندیشه‌ای بود که از زمان آدام اسمیت مطرح شد و در دهه‌های اول قرن بیستم رواج و محبوبیت فراوانی یافت. نظریات نئوکلاسیکها تا حدی توانست نقص این دیدگاه را برملا سازد.

• **حاکمیت خردورزی در تعقیب منافع:** در دیدگاه انسان اقتصادی، عقل بشر بدون آنکه بتواند در بررسی اهداف نقش ایفا کند، به مهندسی ابزارها و روشها برای رسیدن به حداکثر لذت می‌پردازد. عقل به مفهوم تجربی آن، توان بیشینه کردن منافع خود را دارد و برای راهبری انسان کفایت می‌کند.

• **برقراری رابطه میان انسان و اقتصاد:** تنها اصل اخلاقی حاکم بر انسان اقتصادی، لذت‌طلبی است که در کنار اومانیسیم و فردگرایی حاکم بر این نظریات، اخلاق را از یکسو امری نسبی و از سوی دیگر ذهنی و فاقد واقعیت خارجی تبدیل می‌نماید. نتیجه این موضوع برای مدیریت آنکه در سازمان، تنها ارزشهای اجتماعی و سازمانی حاکم است و هرگونه تلاش در جهت طرح ارزشهای متعالی، مردود شمرده می‌شود.

۵. **سکولار کردن هر چه بیشتر زندگی:** تجربه ناخوشایند دوران حاکمیت کلیسا موجب شد تا انسان غربی بکوشد تا آنجا که می‌تواند دین را به حاشیه براند و یا حتی آن را برای همیشه معدوم سازد. دین در جوامع پس از رنسانس، حداکثر در تنظیم ارتباط انسان با خود و خدای خود نقش داشته و به هیچ وجه اجازه دخالت در سطح جوامع بشری را ندارد. ظهور مکتب دئیسم (خدانشناسی طبیعی) و مذهب پروتستانیسم از دستاوردهای چنین نگرشی است.

۶. **رواج تفکر اومانیسیم (انسان‌مداری):** انسان غربی به این باور رسید که همه چیز باید در خدمت او باشد، چرا که هیچ امر دیگری ارزش، اهمیت و یا شرافت وجودی بیشتری از انسان ندارد. اگر تا پیش از آن انسان خود را قربانی کلیسا و پادشاه می‌کرد، انسان مدرن همه چیز را برای خود و در خدمت خود

می‌خواست. یعنی در یک کلام هر نوع سامان‌دهی نظری و عملی باید به سود انسان صورت می‌پذیرفت و رضایت او را جلب می‌نمود.

۷. گسترش فردگرایی: فردگرایی حالت خاصی از اومانیسیم و به این معنی است که همه چیز باید در خدمت فرد انسان باشد. واحد صاحب حق، جامعه انسانی نیست؛ بلکه فرد انسان است و اگر حقی برای جامعه ایجاد می‌شود، به اعتبار فرد است. لذا نتیجه آن می‌شود که فرد در درون مرزهای فردی می‌تواند هر عقیده، کیش و رفتاری را داشته باشد و این چیزی نیست جز همان نسبیت اخلاق.

۸. خردورزی محض: خردورزی در دیدگاه تجربی به این معنی است که انسان مواد خامی که منحصرأ از طریق مشاهده، تجربه و یا آزمایش بدست می‌آورد، توسط قواعد منطقی، نظام‌دهی و تدوین نماید. این به معنی کفایت عقل و بی‌نیازی بشر از سنت است.

۹. اعتقاد عملی انسان به دموکراسی در حیطه حکومت و سیاست.

۱ - محمدتقی مصباح یزدی، آموزش فلسفه، ج ۱، تهران: (مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ هفتم، ۱۳۷۴)، ص ۱۵۳.

۲ - همان، صص ۲۵ تا ۴۰.

۳ - مرتضی مطهری، مسأله شناخت (تهران: انتشارات صدرا، ۱۳۷۳) صفحات ۴۱ تا ۸۰.

۴ - فرنان لوسین مولر، تاریخ روانشناسی، ترجمه علی محمد کاردان، ج ۲، (تهران: مرکز نشر دانشگاهی، چاپ اول، ۱۷۸) ص ۲۵۲.

۵ - همان، صص ۶۵ تا ۶۷.

۶ - Empiricism

۷ - positivism

۸ - جان هاسپرس، درآمدی به تحلیل فلسفی، جلد اول، ترجمه سهراب علوی‌نیا (تهران: مرکز ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۷۳)، صفحات ۲۳۶-۲۲۳.

۹ - سیدرضا حسینی، نقدی بر دیدگاه سرمایه‌داری درباره انسان اقتصادی، کتاب نقد، سال سوم، شماره ۱۱ صفحات ۲۵۱-۲۱۰.



## نمونه سؤالات درس مدیریت اسلامی

۱) در مورد چیستی مدیریت اسلامی دو مبحث معناداری و حقیقت عینی - ذهنی آن مطرح می‌شود. در این مورد توضیح دهید. ب) چهار دیدگاه مطرح شده در مورد حقیقت مدیریت اسلامی را به اختصار توضیح دهید. ج) کدامیک از این دیدگاه‌ها صحیح‌تر به نظر می‌رسد. در این مورد استدلال کنید.

۲) الف- معنای اصطلاحی علم در طی دوران رنسانس چه تغییراتی پیدا نمود؟  
ب- علم (science) را تعریف کنید. ج- اختلاف در نگاه به علم ناشی از دو موضوع است؛ آنها را توضیح دهید.

۳) کارکردهای علم و دین را به اختصار تشریح نمایید.

۴) مخالفین جاودانگی دین، چگونه اصل فلسفی تغییر را دلیلی برای مدعای خود می‌دانند؟ چه نقدی بر دیدگاه آنان وارد است؟

۵) مخالفین جاودانگی دین، چگونه اصل تغییر مستمر در نیازهای بشری را دلیلی برای مدعای خود می‌دانند؟ چه نقدی بر دیدگاه آنان وارد است؟

۶) مقصود از جاودانگی دین چیست؟

۷) در مورد دین به موارد زیر پاسخ دهید:

الف) یک تعریف برای دین ارائه نمایید. ب) آموزه‌ها و مفاهیم دینی را می‌توان به صورتهای مختلف دسته‌بندی نمود، دو صورت آن را بیان نمایید. ج) اختلاف میان ادیان الهی در کدامیک از این آموزه‌ها است.

۸) مدیریت اسلامی را تعریف کنید.

۹) الف- معانی لغوی و اصطلاحی سنت را توضیح دهید.

ب- مطابق معنای اصطلاحی سنت در این کلاس، انواع آن را نام برده و مختصراً تعریف نمایید.

۱۰) مقصود از کتاب در منابع اسلامی چیست؟ معارف کتاب را می‌توان به پنج دسته کلی تقسیم نمود، آنها را نام ببرید.

۱۱) سنت یکی از منابع اصلی پژوهش در مدیریت اسلامی است. در این مورد به سؤالات زیر پاسخ دهید:

الف- سنت فعلی را توضیح دهید. ب- چرا سنت فعلی حجیت دارد؟ ج- ترک عمل از سوی معصوم چه معنایی دارد؟

۱۲) الف- مقصود از سنت قولی چیست؟ کتب اربعه شیعه و مؤلفان آن را نام ببرید.

۱۳) الف- مقصود از سنت تقریری چیست؟ ب- شرایط تحقق تقریر کدامست؟ ج- نتایج تقریر چیست؟

۱۴) اجماع می‌تواند به عنوان یکی از منابع پژوهش در مدیریت اسلامی مورد استفاده قرار گیرد. مقصود از اجماع چیست؟

۱۵) تأثیر مبانی فراتئوریک بر علم مدیریت چیست؟ مبانی فراتئوریک مدیریت اسلامی را نام ببرید.

۱۶) الف- شناخت‌شناسی را تعریف کنید. ب- منابع شناخت را نام ببرید. ج- ابزارهای شناخت را نام برده و توضیح دهید.

۱۷) هستی‌شناسی را تعریف کنید. هستی‌شناسی چگونه بر نظریات مدیریت تأثیر می‌گذارد؟

۱۸) مقصود از انسان‌شناسی چیست؟ مبانی انسان‌شناسی در طی قرنهای قبل و بعد از رنسانس چه تغییراتی یافته است؟

۱۹) انسانی که در نظریات مدیریت غربی مطرح می‌شود دارای نه ویژگی است آنها را نام برده و به اختصار توضیح دهید.

۲۰) ویژگیهای انسان اقتصادی را نام برده و توضیح دهید.

۲۱) اومانیزم و فردگرایی در مدیریت غربی را توضیح دهید.